



داستان علمی تخیلی

دانستن راز این اجسام منور آسمانی بود. سفر به کرات و سیارات دیگر، همیشه برای آدمیان جاذبه‌ای خاص داشته است. انسان همیشه به دنبال یافتن کراتی شبیه زمین یا دست کم، اطمینان از وجود چنین جاهایی بوده است. به قول یکی از دانشمندان، زمین گهواره انسان است اما انسان همیشه در گهواره نخواهد ماند.

شاید قدیمی‌ترین آثار، علمی - تخیلی کتابی به نام شگفتی‌های تولد باشد. این کتاب را شخصی به نام آنتیوش دیوجانس نوشت. او این اثر و دو اثر خود را در مورد سفر به ماه، در قرن اول پیش از میلاد نوشته است. با این همه، چنین آثاری، داستان علمی - تخیلی به معنای امروزی آن نیستند، چرا که ملاک و معیار این داستان‌ها، تخیل صرف است. تخیل تنها یک جنبه علمی و ادبی است که بعداً به آن اشاره خواهیم کرد. امروزه هریک از نویسندگان داستان‌های علمی - تخیلی، برحسب ذوق و علاقه خود، در یکی از رشته‌های علمی و دانشگاهی یا درس می‌خوانند یا درس می‌دهند و کمابیش به آخرین دستاوردهای علمی زمان خود نیز مجهزند. البته نویسنده علمی - تخیلی، هرچه بنویسد، دلیل بر علمی بودن آن و یا امکان وقوع آن نیست. او اشتباه می‌کند و تردیدی هم در این مورد نیست. با این حال، این نکته نمی‌تواند باعث نادیده گرفتن محاسن و سودمندی اندیشه‌ها و نظریات او بشود.

تحقق تخیلات علمی

در این جا نکته‌ای اشاره می‌کنم و آن اختلافی است که

جومی‌کنند تا نشانه‌های تاریخی برای اثبات ادعای خود بیاورند، راه درستی را انتخاب نکردند. آنها تا حدی پیش رفته‌اند که «جمهوری» افلاطون و «کمدی الهی» دانته را هم علمی - تخیلی دانسته‌اند. با این همه، داستان‌های علمی - تخیلی که به آینده و به دستاوردهای آن متکی هستند، به چنین سابقه‌ای نیاز ندارند. شاید یکی از دلایل جست و جو برای چنین پیشینه تاریخی، قدمت و سابقه باشد. چرا که سابقه وسن و سال عامل مهمی در کسب احترام و بزرگی است، اما واقعیت همان است که اشاره کردم. داستان‌های علمی - تخیلی پدیده‌ای نو و نتیجه صنعتی شدن بعضی کشورها و انقلاب‌های علمی و اجتماعی یکی دو قرن اخیر است. با وجود این، نویسندگان بزرگ داستان‌های علمی - تخیلی افرادی چون آسیموف، جان کریستوفر، لستر دلری و غیره، در بسیاری از آثار خود یا به دستگاه‌های علمی مطرح در داستان‌های شان اشاره‌های کلی و گذرا دارند و یا همانند هری هریسون و آرتور سی کلارک در بعضی از آثار خود، نکات علمی و فنی را بیشتر می‌شکافند.

سابقه و پیشینه

صدها سال پیش از این، به داستان‌هایی برمی‌خوریم که در آنها نقش تخیل بسیار پراهمیت است. داستان‌هایی می‌بینیم که در آنها از آرزوی پایان ناپذیر و میل پایدار آدمیان به دانستن سخن گفته شده است.

شاید از نخستین روزی که آدمی روی زمین ایستاد و سرش را بلند کرد و ستارگان درخشان را دید، یکی از آرزوهایش

موضوع بحث ما داستان‌های علمی - تخیلی است. با توجه به کمبود وقت، اجازه بدهید از روی یادداشت‌هایم بخوانم. اولین نکته در مورد داستان‌های علمی - تخیلی، تاریخچه آن است. از آن جایی که فکرمی‌کنم تاریخچه داستان‌های علمی - تخیلی چندان ارتباطی به موضوع بحث ما ندارد، به طور جداگانه به این بخش نمی‌پردازم، ولی در ضمن بحث، اشاره مختصری به آن خواهیم داشت.

مفهوم داستان علمی - تخیلی

ورود به بحث اصلی را با چند پرسش آغاز می‌کنم. داستان علمی - تخیلی چه اهدافی را دنبال کرده یا دنبال می‌کند؟ آیا هدف این گونه داستان، همه فهم کردن علم است؟ آیا هدف آن شرح نکات علمی است؟

شاید اخترشناس برجسته آلمانی در ۱۶۳۴ میلادی، با نوشتن کتاب رؤیا، چنین اهدافی داشته است. در این داستان، مسافراتی به کره ماه می‌روند و با ایستادن بر سطح ماه، سطح زمین و چرخش آن را تماشایی‌کنند. نباید فراموش کرد که در آن زمان، زمینیان گردش این کره را باور نداشتند و شاید چنین داستانی بی‌هدف و از سر تفتن نوشته شده است. با این همه، داستان علمی - تخیلی، شرح و بسط علمی و همه فهم کردن آن نیست. این مورد را بعداً بیشتر خواهیم شکافت، اما داستان‌های علمی - تخیلی، بعد از صنعتی شدن کشورهای اروپایی و آمریکا و اعتقاد به پیشرفت بی‌حد و مرز، به اوج خود رسیده است.

بنابراین، کسانی که در گذشته‌های دور جست و

آسیموف، بین ری برادبری (از چهره‌های مطرح و با سابقه ادبیات علمی - تخیلی) و آرتور سی کلارک قایل می‌شود. آسیموف می‌گوید: «ری برادبری استعداد فوق‌العاده‌ای دارد، ولی از علم بهره‌چندانی نبرده است. بنابراین، وقتی به نکته‌ای علمی می‌رسد، از آن طرفه می‌رود، اما آرتور سی کلارک یک دانشمند است. به همین دلیل، وقتی به موضوع علمی می‌رسد، آن را بازمی‌کند.»

امروزه دیگر کسی به رمان «سفر به اعماق زمین» اثر ژول ورن با دید داستان علمی - تخیلی نگاه نمی‌کند. چرا که پیشرفت علم، بر وجود دنیایی در زیر زمین خط بطلان کشیده است. با این همه، این رمان نفی نبوغ ژول ورن و جذابیت دیگر آثار او نیست. نباید فراموش کرد که آن چه داستان علمی - تخیلی از آن حرف می‌زند، در واقع «گزیندنی‌های ممکن» است، نه «حکمی قطعی». به هیچ وجه نباید به آن به چشم پیشگویی آینده نگاه کرد. آن چه نویسنده این نوع آثار ادبی می‌گوید، گزیندنی‌های احتمالی است که بر اساس شرایط کنونی به رشته تحریر درآمده است. البته، نمونه‌های حیرت‌انگیزی از این آثار وجود دارد که جهان را متحول کرده است. بسیاری از وسایل و ابزارهای علمی که در رمان‌های ژول ورن به تخیل درآمده پس از مرگ او ساخته شده است و اکنون چون وسایلی عادی در دسترس من و شما قرار دارد.

نکته‌ای دیگر که می‌خواهم به آن اشاره کنم، موضوع ماهواره‌هاست. تا جایی که خاطر هم هست، در سال ۱۹۴۴ آرتور سی کلارک داستان کوتاهی در مورد ماهواره‌ها نوشت که در این داستان، سه ماهواره با قرار گرفتن در سه راس یک مثلث فرضی، تمام سطح کره زمین را تحت پوشش قرار می‌دادند. این داستان در سال ۱۹۴۴ برنده جایزه طلایی فرانکلین شد و پس از آن، دانشمندان به فکر افتادند که شاید ساخت چنین وسیله‌ای ممکن باشد و خود شما بهتر از من می‌دانید که این کار به کجا کشید. به عبارت ساده‌تر، داستان علمی - تخیلی، پایی در علم و دستی در تخیل دارد و این نوع ادبی، واقعیت مبتنی بر منطق علمی زمان خود است.

تخیل خلاق

یکی از نویسندگان داستان‌های علمی - تخیلی نوجوانان، در جواب این پرسش که «چرا برخی از دانشمندان بزرگ برای نوشتن داستان‌های علمی - تخیلی خود را به زحمت می‌اندازند؟» می‌گوید: «علم همان قدر به خرد متکی است که به تخیل.» حق با اوست. مردم عادی، دانشمندان را همیشه با لباس سفید در درون آزمایشگاه‌ها تصور می‌کنند، در حالی که بیشتر کشفیات علمی، خارج از آزمایشگاه و در یک آن، به وقوع پیوسته است. نمونه این موضوع، نسبت انیشتین است که یک آن، به طور کامل به ذهن او رسید و پس از آن بود که انیشتین برای اثبات این فرضیه، دست به کار شد. چون ریاضیات این نابغه بزرگ تعریفی نداشت، اشتباه‌های بسیاری مرتکب شد و دانشمندان دیگر نیز اشتباه‌های او را یادآور می‌شدند، اما سرانجام تئوری او محقق شد و به اثبات رسید. به نظر این نویسنده کودک و نوجوان، دانشمند و نویسنده داستان‌های علمی - تخیلی، هر دو می‌دانند که تخیل و بدیهه‌گویی، به اندازه تفکر منطقی اهمیت دارد. ما قرن‌هاست که عالم‌نیمه هوشیاری و اشراق را بی‌ارج کرده‌ایم و هوشیاری و خرد محض را بها داده‌ایم. ما از یاد برده‌ایم که هوشیاری فقط نوک کوچک کوه یخ است،

کودکان و نوجوانان، مفاهیم علمی را آسان‌تر از بزرگسالان درک می‌کنند

حیرت می‌کند و می‌گوید: خب بعد از افسانه، چه بخواند؟ انیشتین، برای بار سوم می‌گوید: باز هم افسانه بخواند. این حرف‌ها تاکید بر همین مساله دارد. خوب یا بد؟

بدون تردید، این داستان‌ها خوب و بد دارند و متاسفانه آثار بد این نوع ادبی بسیار است. بدون شک، حکومت‌ها و نظام‌های حاکم سرمایه‌داری، مشوق این گونه داستان‌های علمی - تخیلی، یعنی نوع گمراه‌کننده و منحرف‌کننده آن هستند. آنها تلاش می‌کنند با طرح مسائل بی‌ربطی چون جنگ ستارگان، این نوع داستان‌ها را به بیراهه بکشند. اما این سوءاستفاده تنها در مورد این نوع ادبی نیست، بلکه چنین نظام‌هایی در بسیاری از زمینه‌های دیگر ادبی نیز به همین شیوه متوسل می‌شوند. اصولاً داستان‌های علمی - تخیلی خوب، علاوه بر فهم و اشاره به جامعه آینده، به روابط انسانی و پیروزی بشر بر مشکلات ناشی از تکنولوژی می‌پردازند، در حالی که نوع بد آن، مشوق یأس و ناامیدی و ویرانی است.

از آنجا که اغلب نوجوانان توجه چندانی به مرگ ندارند، هر چیز در باره آینده نوشته شود آنها را به خود جذب می‌کند

گرچه داستان‌های علمی - تخیلی به زمینه‌ها و موضوعات بسیاری از فرار و پیروس‌ها و موجودات آزمایشگاهی از آزمایشگاه گرفته تا سفر به کرات دیگر، می‌پردازند، اما هیچ یک از آنها هنوز جذابیت سفرانسان به سیارات و کهکشان‌های دیگر را نداشته است. ساده‌تر بگوییم، نوع خوب این نوع ادبی علاوه بر امیدوار کردن انسان به حل مشکلات جامعه خود، به نوعی هشدارهایی نیز به او می‌دهد.

وقتی موضوع رمانی، نابودی جهان بعد از انفجار اتمی است، در واقع نویسنده بر اساس شرایط بحرانی و امکان وقوع جنگ هسته‌ای است که دست به خلق چنین اثری زده است. نمونه‌های این آثار بسیار است؛ از جمله این آثار Z. for A. for Adom است که به فارسی ترجمه نشده. این هشدار به ویژه در آثاری که برای نوجوانان نوشته شده، بسیار چشمگیر است، چرا که آنها سازندگان جهان فردا هستند.

نمونه خوب داستان‌های علمی - تخیلی علاوه بر امیدوار کردن انسان به حل مشکلات جامعه خود به نوعی هشدارهایی را نیز به او می‌دهد

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در حالی که عالم‌نیمه هوشیاری بخش بزرگتر آن است که در زیر آب قرار دارد. نویسنده این نوع ادبی، مدام احساس حیرت و تخیل نوجوان را که در حال جوش و خروش است، دامن می‌زند.

بعضی از پدر سادها یا حتی معلمان، تصور می‌کنند با خواندن فانتزی و یا داستان‌های علمی - تخیلی، ذهن کودکانشان آشفته می‌شود و از این رو، کتاب‌هایی درباره جهان واقعی در اختیار کودکانشان می‌گذارند اما این کودکان جهان واقعی را نیز از دست می‌دهند. به این ترتیب، آنها در جهان محدودی بزرگ خواهند شد و از آن جا که با تنها سلاح مؤثر یعنی تخیل خلاق و انعطاف‌پذیر، علیه ناشناخته‌ها مجهز نمی‌شوند، قادر نیستند به صورتی همه جانبه با آن روبه‌رو شوند.

مادری، فرزندش را پیش انیشتین می‌برد و به دلیل شهرتی که انیشتین داشته، از او می‌پرسد: به نظر شما فرزندم چه کتاب‌هایی بخواند، بهتر است؟ انیشتین جواب می‌دهد که کتاب‌های افسانه‌ای بخواند. مادر، تعجب می‌کند و می‌گوید، خب! وقتی افسانه خواند، بعد چه بخواند؟ انیشتین می‌گوید: باز هم افسانه بخواند. مادر

رابرت هنرین، از نویسندگان معروف علمی - تخیلی، درباره داستان‌های علمی - تخیلی می‌گوید: «داستان علمی - تخیلی، داستان واقع‌گرایانه جهان فرداست.» او یک گام جلوتر رفته و با عبارتی کم و بیش اغراق‌آمیز، اضافه می‌کند: «داستان علمی - تخیلی، جوانان ما را چنان پرورش می‌دهد که شهروندان بالغ و عاقل کهکشان‌ها باشند.» او این نوع ادبی را در واقع، گمانه‌زنی آینده می‌داند.

چرا بسیاری از نوجوانان و جوانان دنیا شیفته داستان علمی - تخیلی هستند؟

قبل از این که به این سؤال جواب بدهم، به این نکته اشاره می‌کنم که داستان علمی - تخیلی، فانتزی نیست. داستان علمی - تخیلی و فانتزی مترادف هم نیستند و این دو را نباید با هم اشتباه کرد. این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که چه در مجله‌های نوجوانان خودمان و چه در جاهای دیگر، هر دو گونه این آثار در کنار هم چاپ می‌شود. اما داستان علمی - تخیلی اساساً در باب کاربرد و موارد استفاده علم و نیز آینده بشر در این جهان و در کل عالم هستی سخن می‌گوید. به عبارت دیگر، این نوع ادبی از علم موجود و شناخته شده، به سوی آن چه در آینده ممکن است، حرکت می‌کند، در حالی که فانتزی اغلب به غیر ممکن،

آن هم نه براساس علم، بلکه براساس جادو و ماوراءالطبیعه متکی است. البته فانتزی نیز بر محور اصول و قواعد خود حرکت می‌کند و اگر چنین نبود، خوانندگان ما هرگز بویی از درستی در آن نمی‌یافتند.

البته، پاسخ به این پرسش که چرا بعضی از نوجوانان از خواندن داستان‌های علمی - تخیلی لذت می‌برند و برخی لذت نمی‌برند کار دشواری است. با وجود این پاسخ به این که چرا برخی شیفته آن هستند، ساده‌تر است. در واقع، اغلب نوجوانان با توجه به شرایط سنی که در آن قرار دارند، توجه چندانی به مرگ ندارند و چه بسا خود را جاودانه و نامیرا هم تصور می‌کنند. بدین ترتیب، آن چه درباره آینده نوشته شود، آنها را به سوی خود می‌کشد. از نظر فیزیکی و جسمی این افراد مدام در حال تحول و دگرگونی هستند و طبیعی است که اندیشه‌های شان نیز از دگرگونی خاص خود برکنار نخواهد بود. آن‌ها هم چنان که به دانسته‌ها و وانوخته‌های علمی خود می‌افزایند، هر چه بیشتر به لحاظ فکری رشد می‌کنند و آرام‌آرام به جست و جوی موقعیت خود در جهان اطراف و نیز تعبیری از خود و جهان پیرامون خود می‌پردازند. افکار و عقاید آنها هنوز ثابت نشده و استوار نگشته است و آنها مدام به دنبال اندیشه‌ها و نظریات تازه هستند. طبیعی است نوجوانی که عطش خود به تازگی و نوآوری را با خواندن نخستین داستان علمی - تخیلی فرومی‌نشانند، دیگر از این نوع ادبی به سادگی دست بر نمی‌دارد.

نوجوان ما شیفته ماجرا و شگافتن رازهای ناگشوده است. او کمتر گرفتار دنیای مادی اطراف خود است. همین ماجراجویی و همین میل به کشف رازهای ناگشوده، او را به سوی تخیل و تفکر می‌برد.

داستان‌های علمی - تخیلی همان پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که نوجوان کتابخوان ما از خود می‌پرسد: راستی آینده ما چه خواهد شد؟ نقش ما در ساختن این آینده چیست؟ آیا ما در ساختن چنین آینده‌ای مسئولیتی داریم؟ آیا وجود و حضور ما در جهان هستی ارزش و اهمیتی دارد؟ آیا ساکنان کهکشان فکری می‌کنند؟ آیا در کهکشان‌های دیگر موجود زنده نیز هست؟ بی‌شک پاسخ به چنین پرسش‌هایی برای بزرگسالان نیز مهم و مطرح است و شاید به همین دلیل، این نوع ادبی در بین آنها نیز طرفداران بسیاری دارد.

داستان‌های علمی - تخیلی اغلب با حوادث و رویدادهای علمی بشری پیوند دارد. مثلاً تکنولوژی جدید موجب رشد جامعه می‌شود و کشفیات نو در عالم علم باعث دگرگونی جسمی و فکری می‌گردد. انسان به نوعی به خودآگاهی تازه و درک احتمالات جدید می‌رسد. نسل بشر مدام در حال بالندگی است. از این رو، باید به نوجوانانی که در حال رسیدن به مرحله بزرگسالی هستند، نمونه‌های مناسبی از چگونگی کنار آمدن با این تحولات نشان داد و آنها را از سودمندی این دگرگونی‌ها مطمئن ساخت. آنها در چنین داستان‌هایی افرادی را می‌یابند که همانند خود آنها ویژگی‌های خاصی دارند. نوجوانان در داستان‌های علمی - تخیلی، با احساسات و تفکراتی نظیر آن چه خود دارند، آشنایی شوند؛ احساساتی که خاص آنهاست و دیگری را به حیرت آن راهی نیست.

خوانندگان نوجوان داستان‌های علمی - تخیلی، آن‌چنان که از آمار و ارقام بر می‌آید، بسیار زودتر از همسالان و هم

آنچه داستان علمی - تخیلی از آن حرف می‌زند در واقع گزیده‌ای ممکن است نه حکم قطعی

نیز انسان‌ها تشنه محبت، صلح، آرامش، نیکی و درستی خواهند بود.

در آن روزگار نیز آدمیان به دنبال کسانی که شادی و اندوه را با او تقسیم می‌کنند، خواهند گشت. در واقع، هر داستانی چه اسطوره، چه فانتزی، چه افسانه، چه داستان علمی - تخیلی به آن سوی امور روزانه و به سمت حیرت حرکت می‌کند و در آن به جست و جوی می‌پردازد. هر داستانی به جای دور کردن کودک خواننده از زندگی واقعی، او را با شهامت و امید برای زندگی واقعی آینده آماده می‌کند.

مانا و تابو

کودکی که با ادبیات تخیلی ناآشنا باشد، نسبت به کودکی که تخیلش با فانتزی و داستان علمی - تخیلی گسترش یافته است، احتمالاً در درک بیولوژی سلولی یا فیزیک پس از نیوتن یا مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد. معلمی که همراه کودکی از این گسترش تخیل لذت می‌برد، از استعداد نهفته آدمی با خبر است. چنین معلمی از کودکی که با کلاس هماهنگ نیست یانمی‌تواند تحصیلاتش را ادامه دهد، غافل نمی‌شود. وقتی توماس ادیسون، کلاس دوم ابتدایی بود، معلمش او را تعلیم ناپذیر اعلام کرد و خانواداش مجبور شدند او را از مدرسه به خانه ببرند. مادر وی که قبول نداشت پسرش خنگ باشد، خود تعلیم وی را در خانه به عهده گرفت. همیشه این طور نیست که کودکی با هوش و خوش قریحه، با قدرت تخیلش بتواند به آن سوی حقیقت قراردادی خیز بردارد. کشفیات گالیله، ماهیت جهان هستی را دگرگون نکرد، فقط آن چه را اولیای امور، ماهیت جهان هستی می‌دانستند، دگرگون کرد. در هر داستانی معمولاً کودک عادی باید در مقابل قدرت قرار بگیرد، دست به خطر بزند و در برابر ترس در کمال شهامت قد علم کند. جوامع اولیه برای این قدرت دو واژه به کار می‌برند: قدرت مهرآمیز را «مانا» و قدرت قهرآمیز را «تابو» می‌گفتند. خطوط قدرت (کابل‌های برق) عظیمی که در سراسر کشور ما گسترده است تا به چراغ‌های ما روشنایی بخشد و یخچال‌های مان را به کار بیندازد، در آن واحد هم حامل مانا و هم حامل تابو است. اگر کلید چراغی را بزنیم و اتاقی را با نور آن روشن کنیم، قدرت مانا است و اما اگر نردبانی که دو آتش نشان روی آن مشغول کارند سر بخورد و با سیم برق اتصال پیدا کند، قدرت تابو است.

آنها که فکر می‌کنند می‌توانند با تابو کنار بیایند و آن را در اختیار خود بگیرند، اسیر غرور می‌شوند. کودکان این مفاهیم علمی جاری را بسیار راحت‌تر از بزرگسالان می‌فهمند و می‌پذیرند. این مفاهیم نه تنها برای بزرگسالان نو است، بلکه با آن چه یک نسل قبل یا در همین حدود به کودکان آموزش داده می‌شد، تضاد دارد. کودکان و نوجوانان ما همیشه در دنیایی با سرعت دگرگونی فزاینده زندگی کرده‌اند. آنها همیشه از نیروی نهفته در اتم آگاه بوده‌اند. آنها همیشه آگاه بوده‌اند که کره زمین نه تنها مرکز عالم نیست، بلکه سیاره‌ای معمولی در حاشیه کهکشانی معمولی است و آن نوری که بر آن می‌تابد، از چنان فاصله بعدی می‌آید که سیاره‌ای دور دست را نه آن چنان که امروز هست، بلکه آن چنان که میلیون‌ها سال پیش بوده است، می‌بینیم. امروزه کودکان مفاهیم تازه، مفاهیمی را که موجب هراس برخی از بزرگسالان می‌شوند، به راحتی می‌فهمند و می‌پذیرند.

داستان علمی - تخیلی را نباید با فانتزی اشتباه گرفت

پیشرفت داستان‌های علمی - تخیلی، بعد از صنعتی شدن کشورهای اروپا و آمریکا و اعتقاد به پیشرفت بی حد و مرز به اوج خود رسیده است

ردیفان خود به بیان دیدگاه‌های تومی‌پردازند. در بسیاری موارد، هیچ حد و مرزی برای نظریات آنها متصور نیست. آنها در این حالت، در اسباب بازی جدید خود، یعنی مغزشان، به جست و جو می‌پردازند و مدام از چنین کاری بیشتر لذت می‌برند. برای آنها داستان‌های علمی - تخیلی نه تنها نشانگر آینده، بلکه ضامن نامیرایی و جاودانگی است. این گونه ادبی، پیام‌آور امید برای آنان است؛ چرا که تمام آثار خوبی که در این زمینه برای نوجوانان نوشته شده، در مجموع با پایانی خوش و موفقیت قهرمان همراه است. عرصه این نوع ادبی چنان گسترده است که عناصر انواع ادبی دیگر را هم می‌تواند دربرگیرد. اکنون داستان‌های علمی - تخیلی، فکاهی، سیاسی، پلیسی و غیره، فراوان نوشته و چاپ می‌شود.

همان‌گونه که پیش از این اشاره کردیم، با وجود حضور عناصر انواع ادبی دیگر در این نوع ادبی، گیراترین و پرطرفدارترین داستان‌های علمی - تخیلی، داستان‌هایی هستند که به سفر، فضا و کهکشان‌های دیگر می‌پردازند. جوان ما با خواندن چنین آثاری در می‌یابد که در آینده